



دزدان حرفه‌ای

عاشق سیستم‌پخش ۲۰۶ بودند

دو سارق حرفه‌ای خودروهای پژو ۲۰۶ پس از دستگیری مدعی شدند عاشق سیستم پخش خودروی پژو ۲۰۶ هستند. به گزارش جوان، تحقیقات پلیس برای بازداشت این دو سارق از ماه گذشته وباطرح شکایت مالک یک خودروی پژو ۲۰۶ در کلانتری ۱۰۵ پاسداران به جریان افتاد. شاکي در توضیح شکایت خود گفت: با خودروی پژو ۲۰۶ در خیابان پاسداران مقابل یک دستگاه خودروی ترد توقف کردم تا پول بگیرم. به خاطر اینکه عجله داشتم خودرو را در حال روشن گذاشتم و مقابل باجه عابر بانک رفتم. در حال کار کردن با دستگاه بودم که متوجه شدم یک موتورسیکلت اباچی کنار ماشینم توقف کردو تر کنشش ان به سرعت پشت فرمان ماشین نشست و حرکت کردو اگ موتور هم به دنبالش حرکت کرد من که شو که شده بودم برای لحظاتی نتوانستم واکنشی نشان دهم. اما بعد از آن به سرعت به دنبالش دویدم، اما آنها به سرعت فرار کردند. بعد از طرح شکایت پرونده به دستور بازرس شعبه ششم داندسرای ناحیه ۳۴ تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی قرار گرفت. کارآگاهان در جریان تحقیقات محل محل تردد خودرو را در محدوده نازمک شناسایی کردند. بررسی‌ها در این باره جریان داشت تا اینکه سیستم آبان‌ماه محل توقف خودرو مقابل یک ساختمان مسکونی شناسایی شد. ساعتی بعد وقتی مرد جوان قصد سوار شدن به خودرو را داشت کارآگاهان وی را که مردی ۴۰ ساله به نام شهاب بود، بازداشت کردند. کارآگاهان همچنین در بازرسی خودرو یک سلاح کمری به همراه ۹ فشنگ جنگی کشف کردند. شهاب در بازجویی‌ها به سرقت خودرو با همدستی دوست ۵۳ ساله‌اش زانیار اعتراف کرد. با شنائی‌هایی که متهم در اختیار پلیس گذاشت مخفیگاه زانیار حوالی محله از گل شناسایی و ۱۲۱ ماه بانداشت و موتورسیکلت اچ‌اچی به همراه مقداری مدارک مدرک مدرک در آنجا مخفی شده شد. دو متهم وقتی مورد تحقیق قرار گرفتند به سرقت خودروی شاکي و بیش از ۲۰۰ فقره سرقت سیستم پخش خودروهای پژو ۲۰۶ اعتراف کردند. آنها گفتند از ابتدای اسمال سربال سرقت سیستم پخش خودروهای پژو ۲۰۶ را شروع کردند و لوازم سرقت شده را به مالخری به نام شهرام در حوالی خیابان سیلان می فروختیم. برخی لوازم سرقت شده را هم در سایت دیوار به فروش می رساندیم. با اطلاعاتی که دو متهم در اختیار پلیس گذاشتند شهرام هم شناسایی و ۲۲ آبان‌ماه بازداشت شد. کارآگاهان در بازرسی از مخفیگاه وی ۱۵ سیستم پخش خودروی پژو ۲۰۶ به همراه مقدار زیادی پولدو بانلدو دیگر سرقتی کشف کردند. سرهنگ کارآگاه مرتضی نثاری، رئیس پایگاه چهارم پلیس آگاهی پایتخت گفت: تحقیقات برای کشف جرائم بیشتر متهمان در پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران جریان دارد.

قرار درگیری اوباش در اینستاگرام

چند اوباش که پس از قرار درگیری در صفحه اینستاگرام نزاع دستجمعی را در یکی از خیابان های جنوبی تهران رقم زده بودند در دام مأموران گرفتار شدند. به گزارش جوان، چند روز قبل مأموران کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن با تلقن شهروندی از درگیری چند ضرور در خیابان عارف قزوینی و خیابان عبیدالکافی باخبر راهی محل شدند. بررسی‌های مأموران در محل حادثه نشان داد شش شرور سابقه‌دار که دارای چندین فقره درگیری و مزاحمت در کارنامه‌شان ثبت شده است، دو نفر را مورد ضرب و جرح قرار داده و از محل گریخته‌اند. مأموران در بررسی‌های میدانی دریافتند افراد شرور با گذاشتن پستی در صفحه اینستاگرام از دو مصدوم دعوت به درگیری کردند. رئیس کلانتری ۱۴۹ امامزاده حسن با اعلام اینکه مأموران خیلی زود شش شرور را شناسایی و دستگیر کردند، گفت: مأموران در تحقیقات فنی مخفیگاه متهمان را شناسایی کردند و پس از اخذ دستور قضایی در شش عملیات جداگانه هر شش متهم را دستگیر و به کلانتری منتقل کردند. سرهنگ محمد رضا ملکوتی افزود: متهمان پس از تشکیل پرونده و تحقیقات ابتدایی برای انجام سیر مراحل قانونی تحویل مراجع قضایی و در ادامه هم با قرار قانونی راهی زندان شدند.

هشدار پلیس فتادر مورد پیامک‌های کلاهبرداری درباره سهمیه بنزین معاون اجتماعی پلیس فتای ناجا نسبت به سوءاستفاده مجرمان فضای مجازی از طرح معیشتی دولت و سهمیه‌بندی بنزین هشدار داد و توصیه‌هایی را به مردم ارائه کرد. سرهنگ رامین پاشایی در این باره گفت: با توجه اجرای طرح حمایت معیشتی دولت و سهمیه‌بندی بنزین احتمال وجود دارد که افراد سودجو و مجرمان بخواهند با ارسال پیامک یا ارسال پیام در شبکه‌های اجتماعی شهروندان را به سمت درگاه‌های جعلی و فیشینگ هدایت یا از آنان کلاهبرداری کنند.

وی با بیان اینکه در این شیوه کلاهبرداران اقدام به ارسال پیام‌هایی با موضوع‌های نظیر «ثبت نام برای طرح معیشتی»، «ثبت نام سهمیه یا کارت سوخت»، «افزایش سهمیه سوخت مسافربرهای اینترنتی» و... کرده و در آن با قرار دادن لینکی از کاربران می‌خواهند که وارد یک سامانه شود. در این سامانه نیز با صفحه‌ای جعلی برای سرقت اطلاعات کارت بانکی شهروندان ایجاد شده که در این صورت از کاربر خواسته می‌شود تا در ازای پرداخت مبلغ بسیار کم، در سامانه ثبت نام کند. غافل از اینکه هنگام واریز مبلغ اطلاعات کارتش کبی شده و مدتی بعد کلاهبرداران تمام موجود آن را برداشت خواهند کرد.

معاون اجتماعی پلیس فتای ناجا در ادامه به اینستاگفت: در همین راستا نیز لازم است که شهروندان به خصوص رانندگان توجه داشته‌باشند که به هیچ عنوان به چنین پیام‌هایی توجه نگرد و در صورت مواجه شدن با چنین پیام‌ها و لینک‌هایی به آن اعتنا نکنند و شهروندان باید اخبار موثق از منابع رسمی و مورد اعتماد در یافت کنند.

هوشیاری بازپرس

سارق حرفه‌ای را گرفتار کرد

هوشیاری بازپرس دست سارق حرفه‌ای را که با همدستی یکی از دوستانش اقدام به سرقت سربالی می‌کرد رو کرد.

به گزارش جوان، چندی قبل مردی در شمال تهران به اداره پلیس رفت و از دو پسر موتور سوار به اتهام سرقت کیف دستیش شکایت کرد.

شاکي در توضیح ماجرا گفت: من تاجر هستم و خاندام در حوالی نیلوران است. ساعتی قبل برای انجام کاری از خاندام بیرون امدم تا به شرکت یکی از دوستانم بروم. خودروی گرانتیمتم را در یکی از خیابان‌های اطراف شرکت پارک کردم و کیفم را که مبلغ ۲۰۰ میلیون تومان پول و دلار و تعدادی مدارک و اسناد داخل آن بود، برداشتم و به طرف شرکت دوستم به راه افتادم. هنوز چند قدمی از خودروام دور نشده بودم که موتور سیکلتی با دو سرنشین به من نزدیک شد و ناگهان در یک لحظه ترک‌نشین آن کیفم را از دستم سرت کرد و فرار کردند. راننده کلاه کاسکت به سر داشت و قابل شناسایی نبود، اما ترک‌نشین آن که چهره‌اش را نپوشانده بوده مرد جوانی حدوداً ۳۰ ساله به نظر می‌رسید. پس از این با داد و فریاد از مردم کمک خواستم، اما موتورسیکلت در خلاف جهت خیابان به سرعت از محل دور شد.

بااین شکایت پرونده به دستور قاضی میثم حسین‌پور، دادیار شعبه دوم داندسرای ویژه سرسرت در اختیار تیمی از کارآگاهان پایگاه یکم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت.

مأموران در نخستین گام محل حادثه را بررسی کردند که دریافتند محل محل حادثه فاقد دوربین مداربسته بوده‌است و سارقان ردی از خود به جای نگذاشته‌اند. بنابراین مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه با شکایت‌های مشابه‌ای روبه‌رو شدند که حاکیات از این داشتند دو سارق که طعمه‌های خود را از میان افراد پولدار انتخاب می‌کنند در مکان‌هایی دست به سرقت‌های سربالی می‌زنند که فاقد دوربین مداربسته است و اینگونه ردی از خود به جای نمی‌گذارند.

سابقه‌داری؟

نه، من هیچ سابقه‌ای ندارم و برای اولین بار است که دستگیر شدم.

از چه زمانی سرقت‌های سربالی را شروع کردی؟

از سه ماه قبل.

چه‌شده که تصمیم‌گرفتنی سرقت کنی؟

من پیک موتوری کار می‌کردم تا اینکه سه‌ماه قبل داخل قهوه‌خانه‌ای نشستم به ارزشیای دوستان قدیمی‌ام پیش من امد. او سارق سابقه داری است که ۱۴ روز قبل ازده شده بود و به من

سابقه‌داری؟

نه، من هیچ سابقه‌ای ندارم و برای اولین بار است که دستگیر شدم.

از چه زمانی سرقت‌های سربالی را شروع کردی؟

از سه ماه قبل.

چه‌شده که تصمیم‌گرفتنی سرقت کنی؟

من پیک موتوری کار می‌کردم تا اینکه سه‌ماه قبل داخل قهوه‌خانه‌ای نشستم به ارزشیای دوستان قدیمی‌ام پیش من امد. او سارق سابقه داری است که ۱۴ روز قبل ازده شده بود و به من پیشنهاد داد با او به سرقت بروم. چرا قبول کردی؟ در آمد من کم بود و وقتی گفت که با هر سرقت چند میلیون تومان به جیب می‌زنیم و سوسوه شدم و قبول کردم.

فکر می‌کردی دستگیر شوی؟

نه فکر نمی‌کردم چون حساب شده بود. ما معمولاً در محله‌هایی دستت به سرقت می‌زدیم که دوربین نداشت و از قبل هم محل را تحت نظر می‌گرفتیم و از طرفی هم من روزی که به سرقت می‌رفتم ریش و سبیلم پوشیده‌ام و با او به سرقت بروم. چرا قبول کردی؟ در آمد من کم بود و وقتی گفت که با هر سرقت چند میلیون تومان به جیب می‌زنیم و سوسوه شدم و قبول کردم.

گوشی تلفن همراهش خاموش بود. خیلی زود راهی کارخانه‌اش شدم اما کسی آنجا نبود و محل تخلیه شده بود. فهمیدم که همه ماجراها برنج داد. او ابتدا خواست که مقداری برنج برای نمونه برایش بفرستم که قبول کرد. سامان فردای آن روز تماس گرفت و گفت که نمونه برنجی که فرستاده بودم، مورد تأیید است. او یک دستگاه نسیان به فروشگاهم فرستاد و من هم سه تن برنج را بارگیری کردم و به کارخانه‌اش رفتم. من محل کار سامان را دیدم و بعد از تخلیه برنج یک‌فقره چک یک‌ماهه به مبلغ ۲۵ میلیون تومان گرفتم. وقتی موعد چک رسید به بانک رفتم اما کارمند بانک گفت که چک اعلام سرقت شده است! همان جا با سامان تماس گرفتم اما

حجرات

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵



داشت. بنابراین قاضی تعدادی از عکس‌های دوربین را چاپ کرد و در بین تعدادی از عکس‌های دیگر قرار داد و از همسر متهم خواست که عکس شوهرش را شناسایی کند که در نهایت همسر متهم عکس‌های که دوربین مداربسته از سارق گرفته بود به عنوان عکس‌های شوهرش انتخاب کرد و بدین ترتیب دست سارق سربالی رو شد. پس از این متهم دوباره به داندسرای منتقل شد و این بار که فهمید راز سرقت‌هایش بر ملا شده‌است به ۶۰ مورد سرقت سربالی با همدستی سارق سابقه داری به نام ارشابه اعتراف کرد. در ادامه متهم برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در تلاشند تا همدست وی را دستگیر کنند.

را با تیغ می‌زدم و بعد چند روزی به سرقت نمی‌رفتم و در این چند روز ریش می‌گذاشتم تا شناسایی نشوم. اما آخر به دام افتادی و اعتراف کردی؟ بله هوشیاری و زیرکی قاضی بود که دست مرا رو کرد. من به همسرم گفته بودم که پیک موتوری کار می‌کنم و وقتی هم دستگیر شدم او فکر کرد بی‌گناهم و به دفتر قاضی رفته بود تا برای من وثیقه بگذارد و آزاد شوم که قاضی از همسرم خواسته بود عکس‌های مرا بین تعدادی عکس شناسایی کند، همسرم که به من اعتماد کرده بود فکر نمی‌کرد من سارق باشم عکس مرا که دوربین گرفته بود، شناسایی کرد و دستم رو شد.

در این سه ماه چه تعداد کیف سرقت کردیدی؟ حدود ۴۰ فقره، بعضی روزها چند تا کیف می‌زدیم و بعد چند روزی در خانه می‌ماندیم و به سرقت نمی‌رفتم.

اسناد و مدارک سرقتی را چه کار می‌کردید؟ به افراد جاعل می‌فروختیم. بود و فکر نمی‌کرد من سارق باشم عکس مرا که دوربین گرفته بود، شناسایی کرد و دستم رو شد.

در این سه ماه چه تعداد کیف سرقت کردیدی؟ حدود ۴۰ فقره، بعضی روزها چند تا کیف می‌زدیم و بعد چند روزی در خانه می‌ماندیم و به سرقت نمی‌رفتم.

بود و فکر نمی‌کرد من سارق باشم عکس مرا که دوربین گرفته بود، شناسایی کرد و دستم رو شد.

بود و فکر نمی‌کرد من سارق باشم عکس مرا که دوربین گرفته بود، شناسایی کرد و دستم رو شد.

مرد اسیدپاش: پس از تماشای «مغزهای کوچک زنگ زده» تصمیم به اسیدپاشی گرفتم

مرد جوانی که پس از تماشای فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده» اقدام به اسیدپاشی روی پسر و پسری کرده بود به زودی محاکمه می‌شود. به گزارش جوان، پنجم مهرسال ۹۷، مأموران کلانتری ۱۴۰ باغ‌فیض از حادثه اسیدپاشی در یکی از خیابان‌های غرب تهران باخبر و راهی محل شدند. اولین بررسی‌ها نشان داد مرد ۵۰ ساله به نام یزدان و پسرش به نام کیومرث بر اثر پاشیدن اسید و حمله چاقو از سوی پسر جوانی به نام نادر به بیمارستان منتقل شده‌اند. مأموران به بیمارستان مورد نظر رفتند و در یافتند سسوخستگی‌های کیومرث خیلی عمیق نبوده اما پدر او بر اثر سوختگی شدید و خونریزی ناشی از اصابت چاقو تحت چند عمل جراحی قرار گرفته است. به این ترتیب یزدان چند روز بعد در حالیکه به طور مجزعه‌آسای زنده مانده بود، مورد تحقیق قرار گرفت و در توضیح به مأموران گفت: «با پسرم به پارک رفته بودیم که حین برگشت به خانه نادر را دیدیم. پسرم قصد حوالپرسی داشت که ناگهان او به طرف ما حمله کرد و فحاشی کرد. شوکه شدم و داشتم نگاهی می‌کردم که ناگهان ظرف حاوی اسید را به طرف ما پاشید و با چاقو حمله کرد و چند ضربه زد. این اتفاق به خاطر کینه از من و پسرم بوده‌است، چون نادر و پسرم سالها با هم دوست بودند تا اینکه به خاطر رفتارهایش از پسرم خواستم رابطه‌اش را با او قطع کند.»

با ثبت این اظهارات، نادر بازداشت شد و تحت بازجویی قرار گرفت، اما جرمش را انکار کرد تا اینکه چند هفته بعد از حادثه وی در بازجویی‌های فنی اب به اعتراف گشود و گفت: «کیومرث از دوستانم بود و با هم رابطه خوبی داشتم. ما زمان‌های طولانی کنار هم بودیم و همین باعث شد بودم، به هم وابسته شویم تا اینکه او تحت تأثیر حرف‌های پدرش دیگر به من توجهی نمی‌کرد و خیلی همدیگر را نمی‌دیدیم. این شد خودم را تنها دیدم و احساس پوچی کردم به همین دلیل به فکر انتقام افتادم و می‌خواستم هر طور شده تلافی کنم.» متهم در خصوص روز حادثه گفت: «روزی که نادر تماشای فیلم مغزهای کوچک زنگ زده به سینما رفتم. بعد از دیدن فیلم تحت‌تأثیر آن به فکر انتقام افتادم به همین دلیل به خیابان ناصر خسرو رفتم، سپس یک‌لیتر اسید و یک قبضه چاقو خریدم و راهی خانه پدر کیومرث شدم. در مکانی کمین کردم و منتظر آنها بودم تا اینکه کیومرث را همراه پدرش دیدم. بلافاصله اسید را به طرف آنها پاشیدم و بعد از آن چند ضربه با چاقو به پدر کیومرث زدم و قصد فرار داشتم که از سوی عابران دستگیر شدم.»

بعد از اقرار‌های متهم تحقیقات برای کامل شدن پرونده ادامه داشت تا اینکه مشخص شد متهم به خاطر اقدام به خودکشی، سوختگی و بیماری اعصاب و روان هفت‌بار سابقه بستری در بیمارستان را داشته‌است. بنابراین متهم به پزشکی قانونی معرفی شد اما کارشناسان در گزارش اعلام کردند پسر جوان اختلال اعصاب و روان ندارد. با ثبت نظر پزشکی قانونی متهم بعد از بازسازی صحنه جرم روانه زندان شد و پرونده با در خواست و شاکي مبنی بر اشد مجازات بعد از صدور کیفرخواست به شعبه دهم داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده‌شد.

به این ترتیب متهم به زودی پای میز محاکمه قرار خواهد گرفت.



آدم ربایی در اصفهان دستگیری در تهران

مردی که متهم است یکی از دوستانش را به خاطر طلب ۲۵میلیون تومانی در اصفهان ربوده است در تهران دستگیر شد. به گزارش جوان، تیرماه امسال بود که مردی در اصفهان به اداره پلیس رفت و از یکی از دوستانش و دامادشان به اتهام آدم ربایی و شکنجه شکایت کرد. شاکي در توضیح ماجرا گفت: چند سال قبل مبلغ ۲۵میلیون تومان از یکی دوستانم به نام احسان قرض گرفتم که با آن کار کنم. من هر ماه سود پولش را به حسابش واریز می‌کردم تا اینکه با مشکل مالی برخورد کردم و چند ماهی سود پولش را واریز نکردم. از آن روز به بعد او اصرار داشت، پولش را بر برگردانم، اما من پولی نداشتم که به او بدهم تا اینکه چک مرا برگشت زد و حتی حساب دامادمان را که پشت چک مرا به عنوان ضمانت امضا کرده بود مسدود کرد. این موضوع ادامه داشت تا اینکه مدتی قبل او و دامادمان در یکی از خیابان‌های خلوت اصفهان مرا به زور سوار خودرو کردند و ربودند. آنها مرا ۲۴ ساعت در خانه‌ای حبس کردند و شکنجه دادند و بعد مرا تحویل پلیس دادند که فهمیدم حکم جلب مرا هم گرفته‌اند. من به زندان افتادم و بعد از چندی پول آنها را پرداخت کردم و آزاد شدم و الان از آنها به جرم آدم‌ربایی و شکنجه شکایت دارم.

باطرح این شکایت مأموران تحقیقات خود را ادامه دادند تا اینکه چند روز قبل پس از گذشت چهار ماه از حادثه به مأموران خبر رسید متهم در تهران مخفی شده‌است. بنابراین مأموران با گرفتن نیابت قضایی راهی تهران شدند و متهم را دستگیر کردند. متهم پس از دستگیری جرم خود را انکار کرد و گفت: چهار سال قبل ۲۵میلیون تومان به شاکي قرض دادم و قرار بود خیلی زود بدهی‌اش را بپردازد، اما هر وقت پولم را درخواست کردم بهانه‌ای می‌آورد تا اینکه همراه دامادشان او را دستگیر کردم و به اداره پلیس تحویل دادم.

متهم پس از تحقیقات ابتدایی با دستور باز پرس داندسرای امور جنایی تهران همراه پرونده در اختیار مأموران پلیس اصفهان قرار گرفت تا برای تحقیقات به داندسرای محل حادثه منتقل شود.